**انترناسیونال ۷۱۴**

**مصاحبه با حمید تقوایی**

**ادعاها و کشاکشهای پسا انتخاباتی**

انترناسیونال: روزنامه سیاست روز که طرفدار روحانی است در سرمقاله یکی از شماره های اخیر خود آمار ۲۳ میلیون رای به روحانی را دلیل این دانسته است که همه این تعداد از شغل و معیشت مناسب برخوردارند. و چون رضایت داده اند در چهار سال آینده حق اعتراض برای آنها وجود نخواهد داشت. نظر شما درباره این استدلال چیست؟

حمید تقوائی: این نوع ارزیابی ها از انتخابات حکومتی و نتایج آن، بر خلاف قصد و نیت مدعیانش، تنها ضعف و تزلزل حکومت را نشان میدهد. میگویند حق اعتراض ندارید چون میدانند اعتراضاتی که از هر گوشه جامعه میجوشد بعد از معرکه انتخابات حکومتی قوی تر و گسترده تر ادامه خواهد یافت. اما حتی اگر اعتراض و مبارزه ای هم در جامعه وجود نمیداشت این نوع نتیجه گیریهای آماری پوچ و بی معنی میبود. اولا ۲۳ میلیون آمار خودساخته حکومتی است که در عددسازی به نفع خود ید طولائی دارد. این بار آش چنان شور است که خودشان به زبان آمده اند. خود مقامات و کاندیداها دارند در مورد مهندسی و تخلفات انتخاباتی و اینکه چند میلیون رای جابجا شده و روحانی کمتر رای آورده و یا برعکس آرای رئیسی را برای آبروداری بالا برده اند و غیره، به سر و کله یکدیگر میکوبند. بر اساس آمار ساختگی که حتی خود حکومتی ها بر سرش توافق ندارند به هیچ نتیجه ای نمیتوان رسید بجز بهم ریختگی و آشفتگی صفوف حکومت.

ثانیا حکم صادر کردن بر مبنای نتایج "انتخاباتی" که با هیچ معیاری انتخابات نیست پوچ و بی اساس است. مستقل از اینکه آمار رای دهندگان چه باشد آنچه حکومتی ها "انتخابات" مینامند حتی بر مبنای ابتدائی ترین موازین سیاسی و مدنی انتخابات نیست، جابجائی پست ها و مقامات بین خودی ترین رجال حکومتی است. لذا نتیجه گیریهای سیاسی که معمولا بر اساس نتایج یک انتخابات واقعی میتوان بدست داد، مثل روی آوری جامعه به این یا آن حزب و یا پلاتفرم و برنامه انتخاباتی نامزدها و غیره، در جمهوری اسلامی اساسا موضوعیتی ندارد. شاخص "برخورداری مردم ازشغل و معیشت مناسب" اعتراضات وسیع و گسترده کارگران و معلمان و پرستاران و بازنشستگان علیه دستمزدهای یک چهارم خط فقر است و نه نتایج انتخاباتی که حتی خودشان هم قبول ندارند.

اگر مضحکه انتخابات در ایران نشانه چیزی باشد بیانگر منزوی و بی اعتبار بودن حکومت در جامعه و ترس و واهمه حکومتی ها از به خیابان ریختن میلیونی مردم است و بس.

نکته آخر اینکه همانطور که در اطلاعیه حزب هم اعلام شده روحانی حتی نماینده کسانی که به او رای داده اند، نیست. اگر انتخابات آزاد در ایران وجود میداشت امثال روحانی و دیگر ارتجاعیون از صافی شورای نگهبان گذشته یک چند هزارم این هم رای نمی آوردند.

خصلت نمای اوضاع سیاسی ایران انتخاباتهای دست ساز آخوندی میان جناح های حکومتی نیست، بلکه جدالی بیوقفه بین توده مردم و جمهوری اسلامی است. این جدال است که به همه تحولات در ایران از جمله به معرکه های انتخاباتی حکومت شکل میدهد.

انترناسیونال: به کشمکشهای حکومتی ها بر سر آمار انتخاباتی اشاره کردید. آیا این نشانه تقلب گسترده در انتخابات نیست؟

حمید تقوائی: در تقلبی بودن آمار و ارقام حکومتی نمیتوان تردیدی داشت اما همانطور که در مصاحبه هفته قبل توضیح دادم حکومت بهم ریخته تر و نامنسجم تر از آنست که بتواند با تقلب نتیجه انتخابات را تغییر بدهد. (رجوع کنید به "انتخابات حکومتی و سرنگونی طلبی توده مردم" در شماره گذشته). در آن مصاحبه تاکید بر این بود که گرچه برای نشان دادن مشارکت وسیع مردم آمار را میتوانند بالا ببرند - و چانه زنی های پسا انتخاباتی مقامات بر سر تعداد آرا تردیدی در این باقی نمیگذارد- ولی نمیتوانند نتیجه را تغییر بدهند چون انسجام و یکپارچگی لازم را برای بند و بست و توافق ندارند.

کشمکشی که در همین هفته اخیر بر سر تعداد و نسبت آرا بین جناحهای حکومتی درگرفته است تاکیدی بر این واقعیت است. رئیسی از "تخلفات مهندسی شده" به نفع روحانی صحبت میکند، موحدی کرمانی ادعا میکند سه میلیون رای باید از حساب روحانی به حساب رئیسی ریخته بشود، جنتی دبیر شورای نگهبان میگوید "تخلفات بسیاری" در انتخابات اتفاق افتاده است و کیهان شریعتمداری هم از "تخلفات گسترده ستاد روحانی" شکایت میکند. اما هیچیک بقول خودشان "سلامت انتخابات" را بزیر سئول نمی برند. از انفجار جامعه می ترسند. علیرغم همه این شکوائیه ها، شورای نگهبان رسما نتیجه انتخابات را تائید کرده است و موحدی کرمانی هم لازم میبیند تصریح کند "تخلفات ادعایی در حدی نیست که نتیجه نهایی انتخابات را تغییر دهد". این حمله نیم کلاج اصولگرایان و پیروان دو آتشه ولی فقیه به جناح روحانی تا حد باطل اعلام کردن انتخابات به پیش نمی رود چون از تکرار ۸۸ میترسند. اگر میتوانستند چنین کنند در همان ابتدا رئیسی را از صندوق بیرون می آوردند و یا لاقل انتخابات کذائیشان را به مرحله دوم میکشاندند. این شکایتها و ابراز شک و تردیدها در مورد "تخلفات انتخاباتی" اساسا تلاشی برای به عقب راندن و تضعیف روحانی و جناحش در دور تازه است. این پرده اول تشدید کشمکش میان جناحهای حکومتی در دوره دوم ریاست جمهوری روحانی است. کشمکشی که همانطورکه همیشه تاکید کرده ایم، خود در نارضائی گسترده مردم از وضع موجود و تعرض جامعه به حکومت ریشه دارد.

انترناسیونال: برخی طرفداران روحانی "ثبات و امنیت جامعه" را یکی از دستاوردهای "دولت تدبیر و امید" میدانند و مدعی هستند ترس از بروز جنگ و از برقراری تحریمها و سخت تر شدن وضعیت زندگی عامل موثری در انتخاب مجدد روحانی بوده است. به نظر شما این عامل چه جایگاهی در شرکت مردم در "انتخابات" داشت؟

حمید تقوائی: ادعای ثبات و امنیت رژیم رکورد دار اعدام و پرونده سازی امنیتی علیه فعالین جنبشهای حق طبانه را باید بحساب وقاحت آخوندی مدعیانش گذاشت. ممکن است بخشی از مردم در هراس از جنگ و بدتر شدن اوضاع به روحانی رای داده باشند اما این نشانه رضایت از وضع موجود نیست، برعکس بیانگر بی اعتمادی مردم به وضعیت ناپایدار و بی ثباتی است که جمهوری اسلامی در ایران و در منطقه ایجاد کرده است. مردم خط و سیاست خامنه ای و اصولگرایان را مسئول و عامل مستقیم ضد آمریکائی گری و غربستیزی رژیم میدانند - از این نقطه نظر نیز رای از روی هراس را باید رای نه به خامنه ای دانست- اما اساس مساله و ریشه ناضائی مردم - حتی در هراس از خطر جنگ- اسلامیت حکومت و نفس موجودیت جمهوری اسلامی است. مردم نه تنها از دخالتگریها و اقدامات تروریستی رژیم در منطقه "در هراس" هستند، بلکه مهمتر از آن از تروریسم اسلامی در خود جامعه که با چوبه دار و شلاق و قصاص اسلامی به سراغ زنان و کارگران و جوانان حق طلب میرود و هر جوانه آزادیخواهی و آزاد اندیشی را زیر سایه سیاه اسلام خفه میکند، بجان آمده اند. عامل تعیین کننده در برخورد مردم به انتخابات حتی در مورد بخش عمده کسانی که به روحانی رای دادند، امید به تضعیف کل این نظام تروریستی در ایران و در منطقه بود و نه هیچ توهمی به "تدبیر و امید" ی که از همان اولین روزهای دوره اول ریاست جمهوری "حسن کلید ساز" به سوژه جوک و تمسخر مردم تبدیل شد.

کلا همانطور که بالاتر اشاره کردم در معرکه ای که تحت نام انتخابات در ایران برگزار میشود این نوع انگیزه شناسی ها در مورد شرکت یا عدم شرکت مردم نمیتواند موضوعیتی داشته باشد. مردم بدلایل مختلفی پای صندوقها رفتند. کسانی بخاطر نه گفتن به خامنه ای و تضعیف "عمود خیمه اسلام" به روحانی رای دادند، کسانی بخاطر نزدیکی بیشتر با غرب و شیوه زندگی مدرن و امروزی، کسانی بخاطر دامن زدن به کشمکش میان جناحهای حکومتی و بخشی هم بخاطر نگرانی از خطر جنگ و عراقیزه شدن اوضاع. البته اقلیتی هم بخاطر توهم به اصلاحات به روحانی رای دادند، همچنانکه توهم به مستضعف پناهی رئیسی هم لابد مقداری رای برای او جمع کرده است، اما خصلت نمای رای مردم رای سلبی به خامنه ای و به این اعتبار تقابل آنها با کل حکومت بود. این نتیجه ای است که نه از بررسی آماری انتخابات و انگیزه شناسی رای دهندگان بلکه از کل تحولات و روندهای سیاسی در جامعه و جدال همیشگی که بین مردم با حکومت در جریان است حاصل میشود. وضعیت سیاسی و نبض جامعه را میلیونها مردمی - که باحتمال زیاد بسیار بیشتر از ۱۶ میلیون مورد ادعای حکومت است- نمایندگی میکنند که در انتخابات شرکت نکردند.

انترناسیونال: بعضی از احزاب و یا شخصیت های سیاسی انتخاب مجدد روحانی در مقابل کاندیدای خامنه ای را دلیل بر این میدانند که با اصلاحات میشود جامعه را تغییر داد و مسئله انقلاب و سرنگونی به عقب رانده شده است. شما در این باره چه میگوئید؟

حمید تقوائی: اگر خطر سرنگونی و انقلاب بیخ گوششان نبود نیازی نمیدیدند در هر موقعیتی بخودشان اطمینان خاطر بدهند که خطر رفع شده است. در کشورهای غربی و یا حتی کشورهای جهان سومی که احتمال انقلاب و سرنگونی در چشم انداز نیست، کسی از انتخاباتها به صرافت مقایسه و تقابل بین اصلاحات و انقلاب نمی افتد. این نوع اظهارنظر ها در جوامعی موضوعیت پیدا میکند که حکومت حتی از سایه خودش هم میترسد؛ حکومتی که لازم می بیند حتی به کاندیداهای دستچین شده خودش هشدار بدهد در مناظره های انتخاباتیشان مواظب"آشوب و فتنه" باشند. هیچیک از احزاب و نیروهای چپ و آزادیخواه و حتی چهره ای که بخشی از خواستهای آزدایخواهانه وانسانی مردم - مثل رفع تبعیض جنسی و برابری زن و مرد، جمع شدن بساط مذهب از حکومت و قوانین، لغو اعدام، یا آزادی زندانیان سیاسی و غیره - را نمایندگی کند اجازه فعالیت سیاسی چه برسد شرکت در انتخابات را ندارد دقیقا به این خاطر که خواست رهائی از شر کل حکومت اسلامی یک گرایش گسترده و قوی در جامعه است. دقیقا به این دلیل که در هر انتخابات واقعی مردم به مخالفین کل نظام حاکم رای خواهند داد. اگر چنین نبود به شورای نگهبان و احکام ولایتی و مجمع تشخیص مصلحت و مهندسی و کنترل انتخابات و بسیج نیروهای انتطامی شان برای "حفط امنیت انتخابات" و غیره نیازی نمیداشتند.

به نظرم آنچه در این دوره شاهد بودیم، از خودافشاگریهای کاندیداهای حکومتی و قطبی شدن فضای جامعه و اظهار نگرانی های خامنه ای در جریان انتخابات تا عدم شرکت حداقل ۱۶ میلیون و تا کشاکشی که بلافاصله بعد از اعلام نتایج آرا بین جناحهای حکومتی بر سر آمار و نحوه برگزاری انتخابات در گرفته است، همگی نشان دهنده ثقل و سایه سنگین نارضائی و گرایش وسیع ضد حکومتی توده مردم بر معرکه انتخابات است. نه تنها خامنه ای و جناح اصولگرا، بلکه کل حکومت از این انتخابات بهم ریخته تر و ضعیف بیرون آمدند و توده مردم با روحیه تر و متوقع تر و با اعتماد به نفس بیشتر. تردیدی نباید داشت که بعد از این انتخابات جنبشهای اعتراضی وسیعی که در جامعه جاری هستند گسترده تر و تعرضی تر خواهند شد. این جواب دندان شکنی به همه شارلاتانهائی خواهد بود که تلاش میکنند انتخاب روحانی را به حساب رضایت دادن مردم به خط استحاله واریز کنند.